

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
متن سخنرانی به مناسبت بزرگداشت استاد  
دکتر هوشنگ اعلم

دکتر غلامعلی حدّاد عادل\*

دوست می‌داشتم در مجلسی که در نکوداشت استاد ارجمند، جناب آقای دکتر هوشنگ اعلم، برپا شده فرصت حضور پیدا می‌کردم و رخصت سخن می‌یافتم، اما ناگزیرم به حکم وظیفه، همزمان در جایی دیگر عهده‌دار کار دیگر باشم. امیدوارم جمع فرهیخته این مجلس و به ویژه استاد اعلم، این قصور را بر من ببخشایند.

اینک، خلاصه‌ای از آنچه را که اگر می‌بودم می‌گفتم، می‌نویسم. نزدیک به دوازده سال است که در بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی با استاد اعلم افتخار همکاری دارم و از مقالات عالمانه‌ای که ایشان در باب جانوران و گیاهان و داروها و سنگ‌ها و جواهر از منظر علوم قدیمه و منابع دوران اسلامی می‌نویسند، بهره می‌گیرم. استاد اعلم را از رهگذر این مقالات و نیز از برکت مصاحبتی که با ایشان داشته‌ام، دانش‌مردی یافته‌ام دقیق و عمیق، سخت‌کوش و نکته‌یاب و نکته‌سنج و امین، درس‌خوانده و استاد دیده و

\* عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

در راه علم رنج کشیده، که با احاطه بر اسلوب درست پژوهش در رشته و فنّ خود و با آگاهی از چندین زبان خارجی و تسلّط بر منابع معتبر قدیم و جدید، انصافاً دانشمندی تراز اوّل و بی‌بدیل است.

اگر بگویم استاد دکتر هوشنگ اعلم در حوزه تخصصی خود، در شمار دانشمندان درجه اوّل دنیای امروز است، اطمینان دارم که مبالغه نکرده‌ام و گزاف نگفته‌ام. آنچه مخصوصاً بدین دانش ژرف و وسیع، زینت و زیور می‌بخشد، فروتنی و بی‌ادعایی این مرد بزرگ است که به قول شاعر:

دارد هزار در صدف و دم نمی‌زند

هوشنگ اعلم، مردی است بی‌هیاهو، ساده‌دل و گریزان از خودنمایی و شهرت‌طلبی که با جوانان با استعداد جوینده علم و دانش مهربان و مشفق است و با مدعیان کم‌دانش و پرهیاهو، به شدت ناسازگار و به صراحت مخالف و منتقد.

وجود عزیز او برای ما نه فقط در بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی مغتنم است که برای همه محافل علمی کشور فرصتی کمیاب و ارزشمند است و همگان باید قدر او را بدانند. او صاحب دل نازکی است که به قول حافظ «تاب آه ندارد».

از انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مدیر گوه‌رشناس آن، دکتر مهدی محقق سپاسگزارم که با همتی بلند و کوششی درخور، به تکریم استادان امروز ایران زمین قیام و اقدام می‌کند و برای استاد گرامی و همکار نازنین خود، دکتر هوشنگ اعلم، که شمع روشنی‌بخش این محفل و مجلس است، طول عمر و دوام سلامت و توفیق آرزو می‌کنم.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
متن سخنرانی به مناسبت بزرگداشت استاد  
دکتر هوشنگ اعلم

حسن طارمی راد\*

خدمت حضار محترم، استادان، پژوهشگران، اصحاب معرفت و اهل علم و  
دوستان و خادمان علم عرض سیلام و ادب و احترام دارم.  
از برگزاری مجلس نکوداشت استاد هوشنگ اعلم، خوشبختم و هم شخصاً و هم  
به نیابت از اعضای بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، مراتب سپاس را به محضر استاد گرانقدر  
و حامی و مشوق پژوهشیان و دانشی مردان، جناب آتای دکتر مهدی محقق و همکاران  
گرامیشان تقدیم می‌کنم. از اینکه دقایقی ناگزیر از تصدیع هستم، پوزش می‌خواهم.  
دلیل اصلی این تصدیع:

اولاً انجام تکلیف و حق‌گزاری است؛ تکلیفی از جانب حضرت استاد دکتر مهدی  
محقق و حق‌گزاری و ادای احترام به محضر استاد اعلم که هر دو را بر این گوینده حقی  
بزرگ است.

ثانیاً آشنایی و - اگر حمل برگستاخی نشود - همکاری نسبتاً طولانی با استاد اعلم در  
یک طرح پژوهشی، یعنی تدوین دانشنامه جهان اسلام. از آغاز این آشنایی بیش از ۱۸  
سال می‌گذرد و من، بی‌گفتگو، خود را بسی بختیار می‌دانم که در نخستین تجربه‌های کار

پژوهشی - تألیفی در حوزه دایرةالمعارف نویسی با استاد اعلم آشنا شدم. تعبیر «همکار» را از جانب خود از آن رو غیر منصفانه می دانم که من هر چند در مجاورت ایشان بودم، اما باید اذغان کنم که اگر می توانستم، می کوشیدم از ایشان بیاموزم و خدا را شاکرم که این آشنایی، به تدریج به پیوند دوستی و از جانب من «ارادتمندی و دل بستگی» انجامید. شاید به همین سبب، روا ندیدم که ره آورد این سال های آشنایی و آموزش را به محضر این جمع فرهیخته تقدیم نکنم و برخلاف تعهدی که از دیر زمان به دوستی سپرده ام، در مجلس نکوداشت سخن بگویم. قرار گرفتن در این جایگاه برای این بنده، راستی را که مصداق «از سر پیمان رفتن و بر سر پیمان شدن» است، اما باکی نیست: «چهره خندان شمع آفت پروانه شده است.» مگر نه اینکه در تعلیم دین بر ما فرض است که حق گزار عالمان و به ویژه معلمان باشیم و به تعبیر حضرت سیدالساجدین علیه السلام در رساله شریف حقوق: «وَأَمَّا حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ... أَنْ تُظَهِّرَ مَنَاقِبَهُ.» خصال ستوده آنان را بر همگان بازگویم.

باری، کوشیده ام ترکیبی از ویژگی های علمی و اخلاقی استاد اعلم را که در مدت آشنایی خود با ایشان دریافته ام، در یک فهرست کوتاه ارائه کنم.

### ۱) گریز از شهرت و بی رغبتی به تعریف و تمجید

اعلم نه مایل است درباره کسی داد سخن بدهد یا مدحی بنویسد و نه دوست می دارد، او را بستایند؛ ظاهراً به این دلیل که این گونه ستودن ها، اگر چه بهره ای از حقیقت دارد، با اغراق و مبالغه و گاه سخنان غیر واقع همراه است و اگر بگویم اعلم از این کارها برمی آشوبد، خلاف نگفتم. سهل است می خواهم اذعان کنم که او گاه چو تان اهل ملامت سلوک کرده است، تا زمینه این ستودن ها نیز متنفی کند و از قضا همین صفت ما را به باز گفت رفتارهای ناشناخته اعلم - که می تواند برای نسل امروز و آینده چراغ راهی باشد - وامی دارد. جامعه علمی ما حق دارد گوهرهای خود را بشناسد. اگر اعلم تنها همین یک صفت را می داشت، تکریم او به سزا و مشکور بود.

## ۲) دقت نظر و نکته‌سنجی

شاید بسیاری از این جمع، مقاله «اقتباس بیگانگان از یک کتاب ایرانی» را که سال‌ها پیش در مجله نشر دانش چاپ شد، خوانده باشند. برای این بنده، یکی از مهمترین موجبات علاقمندی و دل‌بستگی به استاد اعلم همان مقاله بود. پیش از آن ایشان را نمی‌شناختم و به حسب عادت، در مرور مجله نشر دانش با این مقاله مواجه شدم و از دقت نظر و ظرافت طبع نویسنده و تعبیرات کنایی و اشارات علمی او و کشف خطاهای کتاب لذت بردم و در همان روزها - که نخستین ماه‌های همکاری من با بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی بود - مردی را در سالن کتابخانه دیدم که به جستجو در کتاب‌هایی مشغول بود. او، احتمالاً به انگیزه ایجاد آشنایی، با طرح پرسشی درباره یک حدیث یا یک عبارت عربی، باب گفتگو را گشود. آشنایی حاصل شد و در این میان، یکی از دوستان به من گفت که ایشان نویسنده همان مقاله‌اند و دوستی آغاز شد. اعلم در آن مقاله «نقد» هیچ دقیقه‌ای را فروگذار نکرده است.

## ۳) صداقت و صراحت در اظهارات علمی

بارها دیدم که مقاله‌ای یا کتابی، به تحقیق یا تألیف شخصیتی مشهور، به دست می‌رسید و انتظار می‌رفت که در معرفی آن چند سطری - اصطلاحاً تقریظ - بنویسد، یا کتابی در حوزه تخصص او منتشر می‌شد و او از آن اطلاع می‌یافت؛ اگر در کتاب ایراد و اشکالی می‌یافت؛ به رغم همه ملاحظات، یا از نوشتن تقریظ پوزش می‌خواست یا با صداقت آنچه را که بود، باز می‌گفت و به تعبیر خودش «نان به کسی قرض نمی‌داد». یک بار، کتاب هدایی یک مقام برجسته علمی را باز پس داد و اظهار داشت که من برای دوستی فیما بین ارزش قائلم. مراد او بر مخاطب بزرگوارش پوشیده نبود. درباره کتابی دیگر، خطاب به مدیر عامل بنیاد که ظاهراً از ایشان نوشته‌ای در نقد یا تقریظ آن اثر خواسته بود، نوشت: «چون سخت می‌ترسم که نقد‌گزنده اینجانب اگر به فرض محال در جایی چاپ شود، [مشکلاتی پیش آورد] صلاح در این است که بنده که «اهل نان قرض دادن» و تمجید بیجا نیستم، در این مورد ساکت بمانم. این خصوصیت، البته شاید کسانی

را رنجانده باشد و شاید اصرار اعلم بر این خصلت زیاده‌روی تلقی شود، اما همه معترفند که درست به همین دلیل، اظهارات او اطمینان‌بخش است. داوری اعلم درباره آثار اشخاص محلّ اعتماد و اعتناست. قول او حجت است.

#### ۴) انگیزه قوی در یاد دادن تجربه‌ها و پرورش استعدادها

گمان نمی‌کنم کسی به یاد آورد که برای یادگیری نزد اعلم رفته و از او پاسخ «نه» شنیده باشد. اعلم می‌داند که بسیاری از جوانان اهل قلم و علم که در مجموعه مراکز علمی و تعلیمی ما درس آموخته‌اند، ضعف‌ها و کاستی‌هایی دارند و بنابراین با خوشرویی به راهنمایی آنها می‌پردازد. روش مقاله‌نویسی علمی را گام به گام به آنها می‌آموزد و اگر در کسی استعداد و شوق ببیند، همه انرژی خود را برای رشد دادن او به کار می‌گیرد.

اعلم در این کار نیز اهل مجامله و تشویق‌های بیجا نیست. آنها که با او حشر و نشر دارند، می‌دانند که اگر مقاله‌نویسی برای داوری و رفع اشکال به وی مراجعه کرده و آمادگی پذیرش تذکارت او را داشته، وی کلمه به کلمه آن مقاله را از نظر گذرانده و چه بسا چند بار از او خواسته است که صورت و محتوای مقاله را تغییر دهد. او در تعلیم هم سختگیر است، اما از وقت‌گذاری هرگز دریغ ندارد و شکیبیا و پرحوصله است. چرا از تجربه شخصی خود برای این جمع نگویم؟ در سال ۱۳۷۴ همراه چند تن از استادان برای شرکت در سمینار «علم در ایران»، به فرانسه رفتیم. استاد اعلم، که از بضاعت من در این کار مطلع بود، چونان مربی و معلمی بی‌دریغ، از من خواست که مقاله‌ام را ابتدا نزد وی بخوانم تا هم در انتخاب واژه‌ها و هم در تلفظ آنها، مرا یاری کند و خطاهایم را اصلاح نماید. او در گوشه‌ای نشست و من خواندم و آموختم. راستش این خصلت اعلم را باید استمرار نظام ریشه‌دار آموزشی مدارس علمی خود بدانیم. در این سفر نیز دیدم که او از راهنمایی هیچکس تن نمی‌زند.

### ۵) وسواس علمی و پرهیز از کمترین مسامحه در تحقیق و تألیف

در این باب نیازی به توضیح نمی‌بینم و به مقدمه‌ای که استاد بر مجموعه مقالاتش با عنوان جستارهایی در تاریخ علم نوشته و نیز اصل مقالات وی ارجاع می‌دهم.

### ۶) مراقبت از درستی هر چه می‌گوید

تحقیق روشمند اعلم در مقالات او مشهود است، اما این همه کار نیست. او از کمترین داده جزئی، بدون اطمینان از درستی آن نمی‌گذرد. اگر مطلبی را نقل می‌کند، حتماً تعبیری را به کار می‌برد که نحوه رسیدن او به این مطلب را نشان دهد و کمترین ابهامی در ارجاع و استناد او نباشد. کسانی که با آثار محدثان و روش‌های تحدیث آشنا نیستند و می‌دانند که برای هرگونه روایت و نقل، یک اصطلاح وجود دارد، می‌توانند نوشته‌های اعلم را از این حیث بسنجند. همین دقت و وسواس سبب شده که او بسیاری از واژه‌ها را برخلاف بسیاری از اهل علم، به درستی به کاربرد و بر این کاربرد درست پافشاری کند. در حضور او نباید جلسه را به فتح «لا» گفت و میز را به فتح «راء» خواند. کلمات را نباید بی‌جا به کار برد؛ هر واژه معنایی دارد و هر تعبیر جایی.

### ۷) شوق به آموختن و افزودن و بازنگری دانسته‌ها

برای ما که اعلم را در سنین پختگی علمی او دیده‌ایم، بسی شگفت‌آور است که او را دائماً در کار شناخت مطالب جدید و تصحیح دانسته‌های پیشین ببینیم. در اتاق خود نشسته‌ایم و ناگاه استاد اعلم، که بی‌تکلف نزد همگان می‌رود، به سراغمان می‌آید و مطلبی را در قالب پرسش مطرح می‌کند تا هم ادب علمی را تعلیم دهد و هم به ما بیاموزد که حلیت و فعلیت و واژه‌هایی از این دست درست نیست، باید جَلّ و فعل گفت. اعلم از این تصحیحات جزئی نیز نمی‌گذرد.

### ۸) فروتنی در کار علم

برای استاد اعلم هیچ‌گاه عار نیست که به شاگردان و دست‌پروردگانش مراجعه کند و

اگر پرستشی دارد مطرح سازد. علم را باید آموخت، از هرکس که هست. و در این روزگار که بسیاری از ارزش‌های اخلاقی فرو افتاده، کار اعلم ارزشمند است.

### ۹) انصاف و وجدان علمی

اعلم به دلیل نوع کار علمی و به ویژه نگاه تاریخی به مباحث تاریخ پزشکی، در ارجگزاری و بیان سهم اشخاص و مکاتب و آثار نه مبالغه می‌کند و نه حقی را نادیده می‌گیرد. او نه اصرار دارد که از بزرگی چون ابروریحان بیرونی چهره‌ای استثنایی بسازد و نه مساهمه این دانشمند بزرگ را در کار علم - به طور خاص داروشناسی - انکار کند. مطالب علمی را به اهلش نسبت می‌دهد و تأثیر و نقش آنان را بازگو می‌کند. وجدان علمی از آثار او هریداست.

### ۱۰) اهتمام به درست‌نویسی مطالب علمی

اعلم در حوزه تاریخ پزشکی می‌نویسد، اما زبان، ابزار ارائه دانسته‌ها و استدلال‌ها و استنتاجات اوست. بنابراین برای ارائه درست، باید زبان را به درستی در کار گرفت. رعایت قواعد نحوی و صرفی و ضبط درست واژه‌ها در امر تألیف ضروری است، زیرا در غیر این صورت ممکن است خطایی در فهم مراد پیش آید.

اعلم از آن هم بالاتر می‌گوید: درست‌نویسی نشانه درست فکر کردن است. کسانی که آشفته می‌نویسند و جملات را به قاعده تنظیم نمی‌کنند و واژه‌ها را در معنای دقیق آنها به کار نمی‌برند، اندیشه منضبط و سازمان یافته نیز ندارند. مبنای این داوری اعلم نمی‌دانم چیست، ولی این رأی او بسی دقیق و تأمل برانگیز است.

### ۱۱) تخصص در پژوهش

اعلم فقط در یکی دو حوزه علمی قلم زده و اینک سال‌هاست هم خود را مصروف یک کار کرده است: تاریخ مفردات طبّی و مباحث پیرامون آن.

او به دو سه زبان معتبر و قوف دارد و اگر قصد کار زیاد داشت چه بسا وادی ترجمه را



برمی‌گزید. اما او زیاندانی را مقدمه‌ی پژوهش دانسته و نویسندگی را نیز ابزاری برای ارائه حاصل پژوهش تلقی کرده‌است. آنگاه به این کلمه‌ی فصار بقراط توجه نموده و به همگان گفته‌است: که «العمر قصیر و الصناعة طویلة». همه‌ی ما فرصتی کوتاه داریم و حجمی سترگ از آنچه باید دانست در پیش رویمان است. چه بهتر که دایرة دانش و پژوهش را کوچک کنیم تا به عمق رویم و کاروان دانش را گامی فرا پیش بریم.

### ۱۲) خرسندی از علم و گزینش زی درویشی

شاید یکی از کسانی که در جامعه علمی، هنوز مجهول‌القدر می‌زید، استاد اعلم است. گمان می‌کنم این سخن، قولی است که جملگی برآند. چرا چنین شده‌است، بر گوینده‌ی این سخن معلوم نیست، ولی می‌توانم بگویم که اعلم در این ماجرا نه نخستین کس است و نه از این پس جز این خواهد بود. در سرگذشت‌نامه‌های عالمان، مواردی نه چندان اندک از این دانشمندان حامل‌الذکر معرفی شده‌اند. اما این همه ماجرا نیست. اعلم از اینکه راه علم را برگزیده، هیچ‌گاه دلتنگ نشده‌است. او با روی گشاده و بی‌هیچ چشم‌داشتی به مراجعان و مراجعات علمی پاسخ می‌گوید. او باور دارد که علم ارزش نفس‌الامری دارد و در همین دنیای ظاهر نیز آنچه مانده می‌ماند، علم و آثار عالمان است. زندگی طبیعی همه انسان‌ها با سختی‌ها و آسودگی‌ها و شادی‌ها و تلخی‌های آن می‌گذرد، اما حیات علمی به راستی که می‌ماند. امروز کدامیک از ما درباره جزئیات زندگی طبیعی ارسطو سؤال می‌کنیم و اینکه خانه او در کدام ناحیه شهر آتن بوده‌است و او چه می‌پوشیده‌است، برای ما چه اهمیتی دارد، اما آثار و آرای علمی او مبنای مباحثات و مطالعات قرن‌های متمادی است و ما هنوز هم در آسمان او گام می‌زنیم و معرفت می‌جویم.

اعلم، از اینکه به کاروان علم پیوسته، خرسند است و از اینکه خصلت درویشی را در خود متحقق ساخته، به درگاه خدا سپاس می‌گزارد. او می‌داند که «در این بازار اگر سود است، با درویش خرسند است» و قطعاً از خدای خود خواسته که به این سود متوجمش گرداند.

آنچه برشمردم، نه همه اوصاف استاد اعلم است و نه نیازی به استقصای تام است. غرض از این تصدیع، به بیان امام سجاد، اظهار مناقب مردی است که نه فقط در نظام متعارف تعلیم و تربیت، که در همواره محیط کار خود همگان را تعلیم داده است. اما من اجازه می‌خواهم در کنار همه اوصاف نیکوی استاد اعلم، از ایشان گلایه‌ای نیز بکنم. اعلم در بیست سال گذشته هم خود را مصروف کاری سترگ کرده است: تألیف مقالات علمی - تخصصی تاریخ پزشکی برای دانشنامه جهان اسلام. او با این کار نشان داده است که چگونه باید مقاله پژوهشی نوشت، مأخذشناسی چه معنایی دارد، فشرده‌نویسی چه قواعدی دارد، تحلیل و مقایسه علمی با چه معیارهایی باید صورت گیرد و خلاصه آنکه «تحقیق» یعنی چه. اعلم با این اقدام خود، به دور از هیاو و بی‌هیچ تبلیغی، توقع جامعه فرهنگی را از محققان و مؤلفان بالا برده و مفهوم پژوهش را بازتعریف کرده و شاید بتوان گفت کار را بر همگان و دیگران سخت کرده است و به تعبیری زیبا: «لَقَدْ أَنْعَبْتَ مَنْ بَعْدَكَ».

بر این نهادسازی علمی متواضعانه آفرین می‌گویم و سلامت و توفیق و نیک فرجامی استاد را از درگاه خدای کریم مسئلت دارم. علوم رسانی